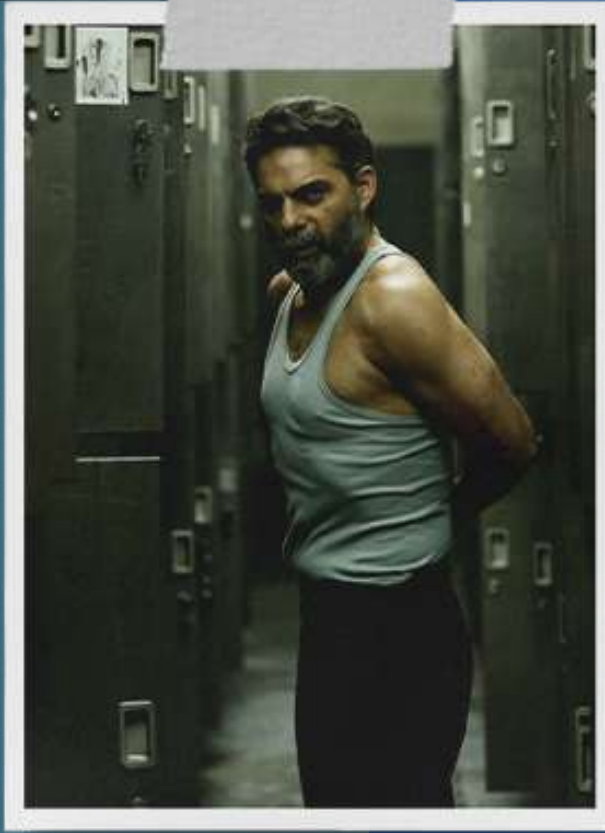


من این یک اشتباه محرز است که وجود دارد. آدم کوچک، به اندازه‌ی خودش به موضوعات فکر می‌کند. به نظر من این روزها باید به این توجه داشته باشیم که مفر گفت و گوهای درون کشور را تبدیل به گفتگوهای خارج از کشور نکنیم. با آزادی اندیشه نمی‌شود مبارزه کرد و به سمت آن شمشیر کشید. شمشیر آدم‌های کوچک به سمت آزادی اندیشه است و آدم‌های بزرگ که در این مملکت کم نداریم، به نوعی با اندیشه مواجهه می‌کنند که این نوع برخورد از نوع برخورد ایجابی است و از آن برای راهبردهای اساسی فکری بهره می‌گیرند. پس با فکر نمی‌توان مبارزه کرد. به یقین اگر درون وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان یک نقطه‌ای از یک فضای دولتی، تحولی در نوع نگاهی ایجاد نشود با انسداد اندیشه مواجه هستیم که اندیشه‌ها به جای اینکه در نظام رسمی منتشر شوند در نظام غیر رسمی راه‌انتشار خودشان را پیدای می‌کنند و این نوع نگاه غلط است. تبدیل گفت‌وگوی درون نظام به گفت‌وگوی بیرون نظام محصول این انسدادهایی است که ایجاد شده و ما می‌بینیم که روز به روز هم آدم‌های کوچک این انسدادها را بیشتر می‌کنند. فرهنگ حتماً باید گرمی داشته شود و بزرگ دیده شود و حتماً آدم فرهنگی بزرگ، بزرگانندیش و بلندنظر هم هست. پس بلندنظری می‌تواند به توسعه‌ی فکری کشور و فرهنگ کمک کند که متأسفانه این روزها معارضه‌هایی که دارد بر سر تولید محتوا صورت می‌گیرد از این جنس و از این نوع نیست و مارک‌های فراوانی هم زیاد شده‌است؛ مثل سیاه‌نمایی، مثل تحت‌تأثیر بودن از خارج از کشور، مثل مارکی که می‌زند و می‌گویند پوز پوزیون است که اینطور نگاه می‌کند. اینطور نیست و به نظر من هنرمندان، دلسوزان در چه یک کشور هایشان هستند چرا که برآمده از فرهنگ، اندیشه و معرفت یک کشور هستند و این فرهنگ، اندیشه و معرفت اگر فهمیده شود می‌تواند به کشور کمک جدی کند.

شاید بتوان گفت که شکل نگاه کردن در نمایش واقعیت تقریباً دو سر باشد و دو نگاه در واقع نمای شکل بگیرد. یکی شبیه به سبک کاری است که در سرپال «زخم کاری» و «پاورباغه» وجود دارد؛ یعنی در زیباسازی جنایت به لحاظ تصویری، طراحی عمیق شخصیت منفی و جذاب جلوه‌دادن و یک نوع نگاه به رئالیته‌ی بزه و نمایش جرم شکل گرفت و نوع دیگر شبیه به آثار سعید روستایی و محمد کارت است که فضای فقر و زیر صفر زندگی کردن در عین شخصیت‌پذیری عمیق در آن وجود دارد که حسن دردمندی با تمام وجود به مخاطب منتقل می‌شود. در این دو فرم نگاه کردن، شما بیشتر با کدام همراه هستید و فکر می‌کنید که تأثیر گذاری کدام بیشتر است؟ در واقع امر تأثیر، بیشتر با زیباسازی اتفاق می‌افتد یا با شخصیت پردازی عمیق‌تر اما جلوه‌ی



پیدا می‌کنند بدون شک دارد اختلاف طبقاتی را نشان می‌دهد. اگر سیاستمدار درست به سمت این اختلاف طبقاتی برود، متوجه این می‌شود که فیلمساز دارد آلامی را نشان می‌دهد که این آلام به اختلاف طبقاتی که دارد در اثر مدرنیته روز به روز به وجود می‌آید و با بیشتر می‌شود توجه می‌دهد. پس باید در سیاست‌گذاری‌های خودش و بالحنی که فیلمساز دارد به او معرفی می‌کند تغییر ایجاد کند که این تغییر خودش موجبات توسعه‌ی فکری را ایجاد می‌کند.

اگر فرض بگیریم که شما در سیستم نظارتی وزارت ارشاد بودید، آیا در جایگاه مدیریتی از این نوع نگاه‌هایی که به شما شرح داده شد محافظتی می‌کردید و راه کم‌خطر تر را انتخاب می‌کردید یا اینکه اتفاقاً تمایل تان به این سمت از نمایش می‌رفت؟

به نظر من این روزها در ممیزی و در سانسور دارد یک اغتشاشی به وجود می‌آید. هیچ وقت دوست نداشتم که از کلمه‌ی سانسور استفاده کنم اما به نظر می‌رسد که شرایطی پیش آمده که هنرمندان گاهی با این کلمه مواجه می‌شوند. در حال حاضر تفکر رانمی‌شود سانسور کرد و تفکر باید بیان شود. یک کشور متمدن، آزاد و آزاداندیش و کشوری که بن‌مایه‌های فرهنگی قدرتمند دارد، اگر انسان‌های کم‌جرات‌تری را در مسند کارهای فرهنگی داشته باشد این انسان‌ها به دلیل منویات کوچک خودشان، مدام در هول و ولا هستند و تلاش می‌کنند تا جلوی رودخانه‌ی جاری اندیشه را بگیرند. به نظر

پس رانده می‌شود. از نظر شما این روال اشتباه است یا اینکه در تمام کشورها چنین فیلمسازانی معمولاً مورد غضب سیستم تصمیم‌گیرنده هستند؟

یک اثر هنری نمی‌تواند خارج از کانتکستی که به وجود می‌آید و خارج از بستری که در آن تولید می‌شود، باشد. پس این فضای دیالکتیکی و فضای منطقی بده‌بستانانی که بین مثلث هنر، هنرمند و جامعه وجود دارد دائم مدنظر است. باید به این توجه داشته باشیم که هنر اطلاع‌سان، آگاهی‌بخش، منتقد و تحلیل‌گر است. هنر نگاه را به آینده جلب می‌کند و نگاه را به سمت یک کانسپتی از آینده‌پژوهی که در نظر خود هنرمند است می‌برد که به آن یک نوع نگاه یا آینده‌نگاهی می‌گوییم. پس به یقین قصد هر اثر هنری بر این است که توسعه‌ی فکری ایجاد کند. اگر ما توسعه‌ی فکری که اثر هنری دارد ایجاد می‌کند و با نوع نگاه، لحن، فضا و موقعیتش مخالفت داریم به نظر من مربوط به سعه‌ی صدر اندکی است که معمولاً در سیاست‌گذاران یا در دولت‌های مختلف وجود دارد. به این دلیل که معمولاً با کلماتی مثل سیاه‌نمایی که کلمات توصیفی هستند و کلمات اخباری نیستند به بعضی از آثار مارک می‌زنیم. این مارک زدن نه تنها به جایی نمی‌رسد بلکه خبری هم ندارد و معمولاً وقتی که وارد این کلمات توصیفی می‌شویم می‌بینیم که این کلمات برآمده از یک سلیقه است. حتی یک و دو و سه و چهار به شکل منطقی ندارد و دلیل برای آن تراشیده می‌شود. سیاه‌نمایی یک مارک بزرگ است که این روزها برای مکتوم کردن بعضی از آثار هنری از آن بهره گرفته می‌شود. همچنین برای مکتوم کردن بعضی از آثار رسانه‌ای و بعضی از نقدهایی که کنه اصلی آنها منطقی است هم استفاده می‌شود. پس هنرمند اگر در پی این باشد که بخواهد از این مارک‌ها عبور یا فرار کند مطمئناً دیگر از مأموریت یارزش‌های خودش تبعیت نکرده است. به نظر من سیاه‌نمایی محصول یک ضعف جدی در نگاه سیاست‌گذاران و سیاست‌مدارانی است که می‌توانند نقد قرار بگیرند. تصور بر این است که یک اثر هنری در پی این نیست که سیاهی‌ها را نشان دهد، بلکه در پی این است که بعضی از اتفاقات را با سه زاویه و سه تکنیک، آگراندیسمان یا استرلیزه کند. در واقع این سه تکنیک عبارت است از اینکه خلاصه‌انگاری کند، یا اگر چه بزرگ‌نمایی داشته باشد، یا اینکه دفرمه کند و از حالت طبیعی خارجش کند. این کار را می‌کند تا بتواند یافته‌گریده‌هایی که دارد و جنبش یافته‌گریده‌هایی که محصول نگاهش به اجتماع خودش است در کنار همدیگر، بتواند یک اثر هنری و خلق اثر هنری را داشته باشد که به آن نقطه توجه بدهد و آن نقطه را به عنوان یک آسیب معرفی کند یا باعث شود تا تحلیلی نسبت به آن نقطه زاید نشود تا آن نقطه مورد توجه قرار بگیرد و رفع یک معضل در دستور کار دیگری قرار بگیرد که به آن نقطه‌انطور نگاه نکرده‌اند. برای مثال یک فیلمسازی در کره‌ی جنوبی سیاهی‌های متعدد فضای کره‌ی جنوبی را در کنار غنا نشان می‌دهد. این فقر و غنایی که در کنار هم به شکل هنرمندانه‌ی جنبش



هیچ وقت دوست نداشتم که از کلمه‌ی سانسور استفاده کنم اما به نظر می‌رسد که همه‌ی هنرمندان را دارند به سمتی هل می‌دهند که از کلمه‌ی سانسور با قوت هر چه تمام‌تر استفاده شود. در حال حاضر دیگر ممیزی نیست چرا که تفکر رانمی‌شود سانسور کرد و تفکر باید بیان شود